

به نام خدا

عنوان مقاله :

“Fifty Two Tools of Management Accounting”

پنجاه دو ابزار برای حسابداری مدیریت

ابوالفضل کوشافر

کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان

عضو انجمن حسابداری ایران

خلاصه

گاهی اوقات جمع آوری اطلاعات درباره ابزارها و تکنیک های حسابداری مدیریت خیلی مشکل به نظر می رسد و این برای محقق در پیدا کردن ابزارها و تکنیک ها از اینجا و آنجا دردسر ایجاد می کند. از طرف دیگر در بعضی از مواقع، برخی می خواهند که مبنایی از ابزار و تکنیک های مختلف مورد استفاده در حسابداری مدیریت را بدانند. به منظور تامین این اهداف مجادله انگیز، در این مقاله اطلاعات و تکنیک های مختلف حسابداری مدیریت از کتاب های مختلف، مجلات و مقالات جمع آوری شده است. در این مقاله 52 ابزار و تکنیک های حسابداری مدیریت بحث می شود که متن بعدی از مقاله قبلی ام از ابزار های حسابداری مدیریت، در آن خلاصه شده است.

روش شناسایی (متدولوژی)

برای انجام این تحقیق، تهیه اطلاعات گزارش از کتاب های گوناگون، نشریات و مقالات حسابداری مدیریت جمع آوری شده است. هر کدام از این تکنیک ها با مفهوم بنیادی و کاربرد آن به اختصار ارائه شده است.

حسابداری مدیریت یا حسابداری مدیریتی با تهیه و به کارگیری اطلاعات حسابداری برای مدیران درون سازمان ها در ارتباط است تا مفاهیمی به آنها ارائه شود که مدیران اجازه یابند در وظایف مدیریتی و کنترلی خود بهتر مجهز شده و تصمیمات رسمی و تجاری بگیرند. مطابق نظر انجمن حسابداران مدیریت خیره (CIMA)، حسابداری مدیریت عبارتست از فرآیند شناسایی، اندازه گیری، گردآوری، تجزیه و تحلیل، تهیه، تفسیر و ارتباط آن با اطلاعات مورد استفاده بوسیله مدیریت به منظور برنامه ریزی و ارزیابی و کنترل عملیات در داخل یک واحد تجاری و همچنین برای اطمینان از استفاده مناسب و پاسخگویی به این منابع مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین حسابداری مدیریت، تهیه گزارشات مالی برای گروههایی غیر از مدیریت مثل سهامداران، بستانکاران، نمایندگی های قانونی و ماموران مالیاتی را شامل می شود. برای انجام اهداف حسابداری مدیریت، ابزارها و تکنیک های متعددی به جهت موفقیت در بازار موجود است.

ابزارهایی در حسابداری مدیریت

تکنیک های حسابداری مدیریت که برای ارائه در این مقاله جمع آوری شده اند عبارتند از موارد ذیل:

1- کارت ارزیابی متوازن (BSC): کارت ارزیابی متوازن در حسابداری مدیریت و سیستم مدیریت استراتژیک بر مبنای شاخص های

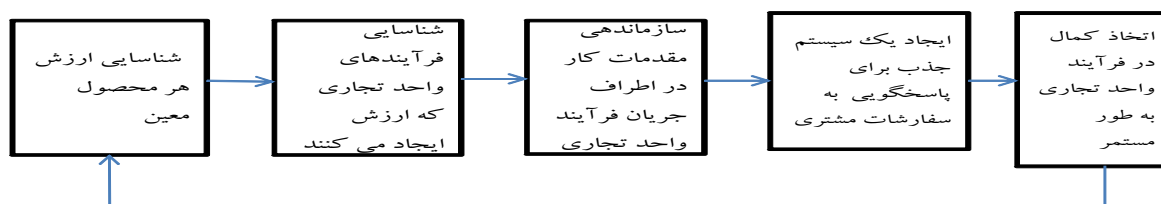
کلیدی عملکرد در میان همه جنبه ها و حوزه های یک بنگاه: مالی، مشتری، فرآیند داخلی و رشد و یادگیری اندازه گیری می شوند.

2- بودجه انعطاف پذیر: بودجه انعطاف پذیر بر روی سطوح متفاوت از فعالیت تکیه دارد. این یک ابزار خیلی مفید برای مقایسه هزینه های واقعی تجربه شده با هزینه مجاز برای سطح فعالیت انجام شده است بدین معنی که در مقایسه با بودجه ثابت دارای ماهیتی پویا می باشد. مجموعه ای از بودجه ها می توانند به سهولت متناسب با هر سطح فعالیت توسعه یابند. در بودجه بندی انعطاف پذیر میان هزینه متغیر و ثابت تمایز وجود دارد و بدین وسیله بودجه اجازه می یابد که به طور خودکار برای هر سطحی از فعالیت که واقعا انجام شده است تنظیم شود.

3- تجزیه و تحلیل بهای تمام شده، حجم فعالیت، سود (CVP): تجزیه و تحلیل بهای تمام شده، حجم فعالیت، سود (CVP)، وضعیت درآمد کل، بهای تمام شده کل و سود در زمانی که میزان محصول، قیمت فروش و هزینه های متغیر هر واحد یا هزینه های ثابت تغییر می کند را بررسی می کند. تجزیه و تحلیل بهای تمام شده، حجم فعالیت، سود (CVP) یک ابزار قوی است که به مدیر کمک می کند تا ارتباط میان بهای تمام شده، حجم فعالیت و سود را درک کند. تجزیه و تحلیل بهای تمام شده، حجم فعالیت، سود (CVP) به چگونگی سودهایی که تحت تاثیر پنج عامل قیمت فروش، حجم فروش، هزینه های متغیر هر واحد، هزینه ثابت کل و ترکیب محصول فروخته شده واقع شده، توجه دارد. (Garrison, Noreen & Brewer, 2009 – 2010)

4- مدل تفکر ناب یا تولید به موقع (jit): مدل تفکر ناب یا تولید به موقع، یک فلسفه مدیریتی است که تلاش می کند منابعی از اتلاف تولید و هزینه را از طریق تولید با اجزای صحیح در مکان مناسب و در زمان واقعی حذف کند. مدل تفکر ناب یک رویکرد مدیریتی دارای پنج مرحله است که منابعی مثل نیروی انسانی و ماشین آلات در اطراف فرآیند واحد تجاری جریان دارد و با جذب واحدهایی از طریق این فرآیندها نسبت به سفارشات مشتری پاسخگو هستند و نتیجه آن کاهش موجودی ها، نقص های کمتر، جلوگیری از هدر رفتن تلاشها و سریعتر شدن زمان پاسخ به مشتری می باشد. (Garrison, Noreen & Brewer, 2009 – 2010)

مراحل پنج گانه مدل ناب به صورت زیر است:



نمایشگر: مدل ناب

5- تئوری محدودیت ها (TOC): در سال 1985، گلدرت (Goldratt) کتاب هدف که داستانی در مورد تولید بود را منتشر نمود. گلدرت (Goldratt) در یک مجموعه نه قاعده ای بصورت خلاصه اصول بهینه تولید را پیشنهاد کرد. به عبارت دیگر فلسفه این هدف تامین بیش از پیش عملکرد های تولیدی می باشد، که تاکید Goldratt روی گلوگاه هایی که منجر به تدوین رویکردی نسبت به حل مسئله در داخل فرآیندی سازمان یافته می باشد که تئوری محدودیت ها نامیده شد. تئوری محدودیت ها (TOC) شامل یک فرآیند 5 مرحله ای است: 1- شناسایی محدودیت های سیستم 2- تصمیم گیری در مورد چگونگی بهره برداری از محدودیت های سیستم تا حد امکان 3- تابعیت و فرمانبرداری همه بخشها از تصمیمات گرفته شده در این مرحله 4- بالا بردن محدودیت های سیستم 5- اگر در مرحله چهارم محدودیت رفع شود به مرحله اول برگشته اما اجازه ندهید سکون منجر به محدودیت اولیه سیستم گردد. (Weiss, Elliott N)

6- شش سیگما: شش سیگما را می توان به عنوان یک متدولوژی ویژه برای توسعه و به کارگیری بهبود کیفیت در فرآیندهای بحرانی یک سازمان از طریق شناسایی و اندازه گیری دقیق تغییرات ناشی از ویژگی های مورد نظر مشتری در فرآیندهایشان و اصلاح آنها یا ایجاد فرآیندهای کاملاً جدید برای نگهداشتن انحرافات در سطحی قابل قبول تعریف کرد. به طور خاص شش سیگما توجه یک سازمان بر موارد زیر را جستجو می نماید: 1- تعریف نیاز مندی های مشتری بر استفاده کننده 2- هم راستا کردن فرآیندها در برآورده ساختن آن نیازها 3- استفاده از معیار متریک برای حداقل کردن تغییرات در فرآیند ها 4- بهبودی فرآیندها به سرعت و به طور دائمی. شش سیگما سطحی از کیفیت تولیدی است که تکرار یک اشتباه در هر میلیون عملیات است و این شامل 6 استاندارد انحرافات از میانگین معین بر پایه یک توزیع نرمال می باشد (معمولاً به عنوان متوسط محدودیتهای بالا و پایین ویژگیهای مورد نظر مشتری برای یک محصول یا عملیات تعریف شده است). (Landel, Robert)

7- مدیریت جامع کیفیت (TQM): مدیریت جامع کیفیت یا TQM یک مفهوم مدیریتی است که بوسیله دبلیو ادوارد دمنینگ (W. Edward Deming) ابداع شده است. هدف TQM کاهش خطاهای ایجاد شده در طی تولید یا فرآیند خدمات، افزایش رضایت مشتری، بالا بردن کارایی مدیریت زنجیره تامین، هدف کلی برای نو سازی تجهیزات و اطمینان از آموزش کارگران در بالاترین سطح می باشد. یکی از اهداف اصلی TQM محدود کردن خطاها از یک عدد در هر یک میلیون واحد های تولید شده است. مدیریت جامع کیفیت اغلب با توسعه، استقرار و نگهداری سیستم های سازمانی که برای فرایندهای مختلف تجاری مورد نیازی باشد، همراه شده است. هدف اولیه TQM این است که تعداد زیادی از کارکنان آموزش ببینند تا بتوانند روش های آماری ساده شده را مورد استفاده قرار دهند. در حقیقت شرط لازم برای شروع TQM، آموزش نیروی کار در استفاده از ابزار های آماری و روشهای حل مسئله می باشد. با این وجود همان طور که گفته شد TQM موثر، از آموزش صرف به کارکنان فراتر می رود تا جایی که چگونگی علم برای پیشرفت روزانه تصمیم گیری به کار گرفته شود. کارکنان در مواجهه با یک مسئله، فرمول بندی فرضیات، گرد آوری و تحلیل داده، آزمون فرضیات را آموخته و سپس فرضیات جدید را بر اساس یافته هایشان تدوین می کنند. (Wruck, Karen Hopper and Jensen, Michael C.)

8- برنامه ریزی منابع سازمانی (ERP): بر طبق گفته ون و کومار (Kumar & Van) سیستم برنامه ریزی منابع سازمانی، متعهد می شود تا فرآیندهای کسب و کار در داخل و سرتاسر سطوح کارکردی در سازمان ها را یکپارچه نماید. در ابتدا سیستم های اولیه ERP شامل نرم افزار کنترل موجودی، به کارگیری مواد مورد نیاز و مدل های برنامه ریزی تولید بودند. تکامل پیوسته سیستم های ERP بعداً در طیف کاملی از فرآیندهای تجاری از قبیل فروش، بازاریابی، خرید، انبارداری، حسابداری و برنامه ریزی منابع انسانی در گستره داده های اطلاعاتی یکپارچه بنگاه خلاصه شده است. آخرین نسل از سیستم های ERP، به توسعه بیشتر سازمان به وسیله تبدیل فرآیند های سازمانی قسمتهای مختلف از قبیل مدیریت ارتباط با فروشندگان و مشتری می پردازد. (Hunton, James E., McEwen, Ruth Ann and Wier, Benson)

9- هزینه یابی بر مبنای فعالیت (ABC): هزینه یابی بر مبنای فعالیت (ABC) یک سیستم هزینه یابی است که فعالیت های مختلف انجام شده در شرکت را شناسایی کرده و محرک های هزینه چند گانه را (فاقد حجم فعالیت و حجم فعالیت بر مبنای محرکهای هزینه) برای

تخصیص هزینه های سربار (یا هزینه های غیر مستقیم) به محصولات به کار می گیرد. هزینه یابی بر مبنای فعالیت (ABC) رابطه علی از محرک های هزینه با فعالیت هارا شناسایی می کند. ABC روش هزینه یابی طراحی شده ای است تا به مدیران اطلاعات هزینه را برای تصمیم گیری استراتژیک و سایر تصمیماتی که به صورت بالقوه بر ظرفیت و هزینه متغیر و ثابت اثر می گذارد، ارائه کند. هزینه یابی بر مبنای فعالیت معمولاً بصورت یک مکمل به عنوان جایگزین برای سیستم های هزینه یابی عادی یک شرکت مورد استفاده قرار می گیرد. بیشتر سازمان هایی که هزینه یابی بر مبنای فعالیت را استفاده می کنند دو سیستم هزینه یابی دارند که سیستم های رسمی برای گزارشات مالی برون سازمانی به کار می رود و سیستمهای هزینه یابی بر مبنای فعالیت برای تصمیم گیری داخلی و همچنین مدیریت فعالیت ها به کار می رود. (Garrison, Noreen & Brewer, 2009 – 2010)

10- هزینه یابی سفارش کار (JOC): هزینه یابی سفارش کار، به طور کلی عبارتست از تخصیص کل زمان، مواد و مخارج به یک پروژه یا سفارش کار مجزا. به طور خاص هزینه یابی سفارش کار (JOC) عمدتاً نرم افزار محور است و برای بودجه بندی، پیش بینی، جمع آوری و گزارشگری درآمد و هزینه مرتبط بایک سفارش کار خاص یا یک پروژه ارائه می شود. یک سیستم هزینه یابی سفارش کار در وضعیت هایی که محصولات متفاوت زیادی در هر دوره تولید شده اند، به کار می رود. هزینه یابی سفارش کار همچنین به طور گسترده در صنایع خدماتی به کار می رود. به عنوان مثال بیمارستان ها، شرکتهای حقوقی، شرکتهای حسابداری، استودیو های فیلمسازی، دفتر نمایندگی های آگهی و تعمیر گاه ها همگی گونه ای از هزینه یابی سفارش کار برای جمع آوری هزینه در حسابداری و فرآیندهای صورتحساب به کار می گیرند. (Garrison, Noreen & Brewer, 2009 – 2010)

11- هزینه یابی مرحله ای: هزینه یابی مرحله ای، روشی از حسابداری مدیریت به کاررفته در تولید انجام شده بوسیله یکسری از مراحل یا فرآیندهای شیمیایی یا عملیاتی می باشد. از مشخصات آن این است که هزینه ها برای کل فرآیند تولید حساب شده است و میانگین هزینه های هر واحد از تولید در هر مرحله محاسبه می شوند. از سیستم هزینه یابی مرحله ای در مواقعی که شرکت ممکن است واحدهایی از یک محصول یکسان را برای دوره های بلندمدت تولید کند، استفاده می شود. به عنوان مثال تولید کاغذ در weyerhaeuser، بازیافت شمش های آلومینیوم در رینالدز (Reynolds)، آمیخته سازی و پرکردن شیشه نوشیدنی ها در کوکا کولا و تولید سوسیس در اسکار میسر (Oscar meyer) را شامل می شود. تمامی این صنایع به وسیله یک محصول اساساً همگن (یکنواخت) که از طریق فرآیند مستمر تولید ایجاد می شوند، مشخص شده اند. (Garrison, Noreen & Brewer, 2009 – 2010) در سیستم هزینه یابی مرحله ای، هزینه در یک عملیات یا دایره خاص برای کل یک دوره (ماه، فصل، سال) انباشته می شوند و سپس این هزینه کل بر تعداد واحدهای تولید شده در طی دوره تقسیم می شوند. (Garrison, Noreen & Brewer, 2009 – 2010)

12- هزینه یابی جذبی: هزینه یابی جذبی روشی است که کل هزینه های ساخت اعم از ثابت و متغیر به عنوان هزینه های محصول تلقی شده که هزینه های غیر تولیدی برای مثال هزینه های اداری و فروش، به عنوان هزینه های دوره محسوب می شوند. در هزینه یابی جذبی تمامی هزینه تولید به عنوان هزینه محصول تلقی می گردد، بدون توجه به اینکه آیا آنها متغیر یا ثابت هستند هزینه هر واحد از محصول طبق روش هزینه یابی جذبی شامل مواد مستقیم، دستمزد مستقیم و هر دوی سربار متغیر و ثابت ساخت می باشند. بنابراین، هزینه یابی جذبی قسمتی از هزینه های سربار ثابت ساخت به همراه هزینه های متغیر ساخت به هر واحد از محصول تخصیص می یابد. زیرا که در هزینه یابی جذبی تمامی هزینه های تولید، هزینه های محصول را شامل می شود که مکرراً به عنوان روش هزینه کامل به آن اشاره شده است. (Garrison, Noreen & Brewer, 2009 - 2010)

13- هزینه یابی متغیر: طبق هزینه یابی متغیر، تنها آن هزینه های تولیدی که متغیر هستند به عنوان هزینه محصول تلقی می شوند. این معمولاً مواد مستقیم، دستمزد مستقیم و قسمت متغیر از سربار ساخت را شامل می شود. طبق این روش سربار ثابت ساخت در هزینه محصول لحاظ نمی گردد، بلکه سربار ثابت ساخت مانند هزینه های اداری و فروش به عنوان هزینه دوره تلقی شده و تمامادر دوره وقوع هزینه می شوند. سپس هزینه هر واحد از محصول در موجودی یا در بهای تمام شده کالاهای فروش رفته طبق هزینه یابی متغیر هیچ هزینه

سربار ثابت ساخت را شامل نمی شود. هزینه یابی متغیر، گاهی اوقات به عنوان هزینه یابی مستقیم یا هزینه یابی نهایی شناخته می شود. (Garrison, Noreen & Brewer, 2009 – 2010)

14- هزینه یابی استاندارد: هزینه یابی استاندارد یک سیستم حسابداری طراحی شده که بطور صحیح هزینه های دستمزد مستقیم، دستمزد غیرمستقیم، مواد، سربار و حساب های عمومی، اداری و فروش را با دقت بر اساس یک واحداز هزینه یابی به محصولات تخصیص داده و سپس با کنترل و بررسی هزینه ها در تولید، بازاریابی، خرید و عملکرد اداری، واحد تجاری را اداره می کند.

15- مهندسی ارزش (VE): مهندسی ارزش (VE) یک روش سیستماتیک است که "ارزش" کالاها یا محصولات و خدمات بوسیله بررسی عملکرد به کار برده می شود. مهندسی ارزش، اغلب با پیروی از یک طرح کار چند مرحله ای بطور سیستماتیک انجام داده می شود. سیستم اصلی لری مایلز (Larry Miles) دارای یک رویه شش مرحله ای بود که او آن را تجزیه و تحلیل ارزش طرح کار نامید. سایرین طرح کار متناسب با محدودیت شان تغییر دادند که کاربرد آن به چهار، پنج، شش یا مراحل بیشتر بستگی دارد. ورژن جدید آن دارای هشت مرحله است: تهیه، اطلاعات، تجزیه و تحلیل، ایجاد، ارزیابی، توسعه، ارائه و پیگیری. چهار گام اصلی در طرح کار عبارتند از:

- **گرد آوری اطلاعات:** در این مرحله پرسش هایی درباره آنچه که برای یک موضوع نیاز است مطرح می شود. تحلیل عملکرد، یک تکنیک مهم در مهندسی ارزش می باشد که معمولاً در مرحله مقدماتی انجام داده می شود. این آزمون ها برای تعیین این است که چه خصوصیتی از کارکردها یا عملکرد، مهم هستند و سوالاتی نظیر این رامی پرسد: برنامه چه هدفی را دنبال می کند؟ چه کاری باید انجام شود؟ چه کاری بهتر است انجام شود؟ چه کاری می توانست انجام گیرد؟ چه کاری نباید انجام گیرد؟
- **پیدایش جایگزین (ایجاد):** در این مرحله، مهندسی ارزش می پرسد که چه راه های جایگزین گوناگونی برای برآورد نیازها وجود دارد؟ چه چیز دیگری وظیفه مطلوب را اجرا خواهد کرد؟
- **ارزیابی:** در این مرحله همه راه حل ها ارزیابی می شوند با سنجش اینکه چطور آنها وظایف مورد نیاز را برآورده می کنند و چگونه هزینه قابل توجهی صرفه جویی می شود.
- **ارائه:** در آخرین مرحله، بهترین راه حل انتخاب خواهد شد و برای تصمیم نهایی به مشتری ارائه می شود. (Wikipedia)

16- حسابداری مصرف منابع (RCA): حسابداری مصرف منابع (RCA) به طور رسمی به عنوان رویکرد جامع مدیریتی، کاملاً یکپارچه، پویا، نظام مند همراه با اطلاعات پشتیبانی از تصمیم گیری برای بهینه سازی بنگاه به مدیران ارائه می شود، تعریف شده است. RCA رویکرد حسابداری مدیریت جامع، نسبتاً جدید و انعطاف پذیر است که به طور وسیعی در رویکرد حسابداری مدیریت آلمانی Grenz Plan Kostenrechnung (GPK) پایه گذاری شده است و همچنین اجازه استفاده از محرک های هزینه بر مبنای فعالیت را می دهد. در اینجا سه عامل مرکزی، حسابداری مصرف منابع (RCA) را قادر می سازد تا یک ساختاری بسیار متفاوت بر مدل هزینه اش داشته باشد.

- **بازنگری منابع:** منابع و هزینه هایشان، برای مدل هزینه مناسب و سیستم پشتیبانی از تصمیم گیری به طور اساسی مورد توجه قرار می گیرند. درآمدها و هزینه های یک سازمان همگی تابعی از منابعی هستند که در تولید آنها به کار رفته است.
- **مدلسازی مبتنی بر کمیت:** تمامی مدل ساخته شده برای ایجاد کمیت های عملیاتی به کار می رود. اطلاعات عملیاتی، اساس ارزش آفرینی و شاخص اساسی پیامدهای اقتصادی است.

- **رفتار هزینه:** ارزش افزوده شده به عنوان پوششی برای مدل مبتنی بر کمیت و رفتار هزینه یا پول، به وسیله رفتار مقدار منابعی برای ارزش آفرینی عملکردها به کار رفته که در محدوده یک سازمان به کار برده می شوند. (Wikipedia)

17- حسابداری عملکرد سیستم (TA): حسابداری عملکرد سیستم (TA) یک رویکرد حسابداری مدیریت است که پویا، یکپارچه، نظام مند و جامع که اطلاعات پشتیبانی از تصمیم گیری را برای بهینه سازی بنگاه به مدیران ارائه می دهد. حسابداری عملکرد سیستم، رویکرد نسبتاً جدید حسابداری مدیریت است که مبتنی بر شناسایی کامل عوامل محدود کننده یک سازمان برای رسیدن به هدف می باشد که

توسط الیاهو گلدردت (Eliyahu M. Gohdrat) پیشنهاد شده است. حسابداری عملکرد سیستم سه معیار سنجش از توان عملیاتی درآمد و هزینه، سرمایه گذاری و هزینه های عملیاتی را به کار می گیرد و سازمان هایی که تمایل دارند دستیابی به هدف را افزایش دهند، به مدیرانی نیازمند نتایج تصمیمات پیشنهاد شده را با سه سوال آزمون کنند. تغییرات پیشنهاد شده به صورت زیر خواهد بود: 1- آیا توان عملیاتی افزایش خواهد یافت؟ چگونه؟ 2- آیا سرمایه گذاری (موجودی) (مبلغی که نمی تواند استفاده شود) کاهش خواهد یافت؟ چگونه؟ 3- آیا هزینه عملیاتی کاهش خواهد یافت؟ چگونه؟

پاسخ به این سوالات تعیین شده بر تغییرات پیشنهاد شده روی اندازه گیری های گسترده سیستم اثر می گذارد:

$$T - OE = \text{توان عملیاتی} - \text{هزینه عملیاتی} = NP \text{ سود خالص}$$

$$NP/I = \text{سرمایه گذاری} / \text{سود خالص} = ROI \text{ بازده سرمایه گذاری}$$

$$T/OE = \text{هزینه عملیاتی} / \text{توان عملیاتی} = \text{بهره وری عملکرد سیستم}$$

$$T/I = \text{سرمایه گذاری} / \text{توان عملیاتی} = IT \text{ گردش سرمایه گذاری}$$

18- قیمت گذاری انتقالات داخلی: قیمت گذاری انتقالات داخلی به تنظیم، تجزیه و تحلیل، مستند سازی و اصلاح مخارج در میان قسمت های مرتبط به کالا، خدمات یا استفاده از دارایی (شامل دارایی نامشهود) اشاره دارد. قیمت های انتقالی امکان دارد در میان اجزای یک بنگاه به کار رفته باشد تا با تخصیص منابع در میان چنین اجزایی یا برای هدف دیگر منعکس شود. بسیاری از دولتها مقررات قیمت گذاری انتقالی را پذیرفته اند و آن را در تعیین یا اصلاح درآمدهای مالیاتی ملی یا مالیات دهندگان چندملیتی به کار می گیرند. تعداد کمی از کشورها قوانینی را دنبال می نمایند که ماهیتی متفاوت دارد و به همین دلیل قیمت گذاری انتقالی مسیر حرکتی ایجاد می کند.

19- تجزیه و تحلیل منفعت - هزینه: تجزیه و تحلیل منفعت- هزینه واژه ای است که به هردوی موارد زیر اشاره دارد: 1- کمک به ارزیابی یا آگاه سازی موردی برای یک پروژه یا طرح پیشنهادی که این به عنوان ارزیابی پروژه شناخته می شود 2- رویکرد غیررسمی در تصمیم گیری اقتصادی. تحت هر دو تعریف، اعم از عینی یا ذهنی بودن فرآیند شامل برآورد کل هزینه مورد انتظار در مقابل کل منافع مورد انتظار یک فعالیت یا بیشتر به منظور بهترین یا سودآورترین انتخاب می باشد. فرآیند رسمی اغلب به یکی از این دو CBA (تجزیه و تحلیل هزینه - منفعت) یا BCA (تجزیه و تحلیل منفعت - هزینه) اشاره دارد. عمل تجزیه و تحلیل هزینه - منفعت در میان کشورها و بین بخش های درون کشورها (به عنوان مثال حمل و نقل، بهداشت) فرق می گذارد. همچنین بعضی از مهمترین تفاوت ها شامل انواع تأثیراتی است (مثل هزینه ها و منافع) که در ارزیابی شامل شده است و اندازه تأثیرات در اصطلاحات پولی و اختلاف در نرخ تنزیل میان کشورها بیان شده است. موسسات در سراسر جهان به یک مجموعه اصلی از شاخص های کلیدی هزینه - منفعت متکی هستند که شامل موارد زیر است:

- (ارزش فعلی خالص) NPV • (ارزش فعلی منافع) PVB • (ارزش فعلی هزینه ها) PVC
- (نسبت منفعت به هزینه) BCR • (PVB/PVC = نسبت منفعت به هزینه)
- (در جایی که K به عنوان یک سطح از وجوه در دسترس باشد) NPV/K

20- حسابداری گردش هزینه: حسابداری گردش هزینه، به تجزیه و تحلیل جریان انرژی و مواد اشاره دارد. گیسون و مارتین (2004: 49) (Gibson and Martin) استدلال می نمایند که تحلیل گردش مواد اساساً قصد دارد جریان حرکت انرژی و مواد را از طریق یک سیستم ارزش آفرینی (از قبیل کسب و کار) و در یک دوره زمانی معین تعریف کند.

21- حسابداری مدیریت زیست محیطی (EMA): حسابداری مدیریت زیست محیطی (EMA)، به عنوان بخشی از حسابداری زیست محیطی، به عنوان یک ابزار مفید برای غلبه بر محدودیت حسابداری مدیریت سنتی با درک بهتر و سنجش مباحث مرتبط با محیط زیست برای فرآیند تصمیم گیری مطرح شده است. (Burritt et al., 2002; deBeer and Friend, 2006). بنابراین EMA نه تنها به مدیریت بهتر هزینه کمک می کند، بلکه یک پروژه عمومی سبز را هم پیشنهاد می دهد.

22- بودجه بندی سرمایه: بودجه بندی سرمایه (یا ارزیابی سرمایه گذاری) فرآیند برنامه ریزی است که برای تعیین اینکه آیا سرمایه گذاری های بلند مدت یک شرکت مثلاً در ماشین آلات جدید، جایگزینی ماشین آلات، تجهیزات و محصولات جدید و پروژه های تحقیق و توسعه ارزش پیگیری را دارند، به کار می رود. بودجه بندی سرمایه ای بودجه ای است برای سرمایه عمده یا سرمایه گذاری و مخارج خیلی از روش های رسمی که در بودجه بندی سرمایه ای به کار می روند از جمله تکنیک های شامل نرخ بازده حسابداری، ارزش فعلی خالص، شاخص سودآوری، نرخ بازده داخلی، نرخ بازده داخلی تعدیل شده و یکنواخت سالیانه (Wikipedia).

23- حسابداری مدیریت ریسک: حسابداری مدیریت ریسک با ایجاد، انتشار و استفاده از اطلاعات حسابداری مرتبط با ریسک در ارتباط است و مدیران را در درون سازمان ها قادر می سازد تا قضاوت کنند و وضعیت ریسک یک سازمان را مطابق اهداف آن شکل دهند. به عنوان بخش و تابعی از سیستم حسابداری مدیریت، حسابداری مدیریت ریسک دو هدف اصلی را دنبال می کند:

1- تسهیل تصمیم گیری یا تصمیم گیری
2- تاثیر تصمیم گیری یا مباحثت

24- هزینه یابی هدف: هزینه یابی هدف یک روش قیمت گذاری مورد استفاده بوسیله شرکتها است. این روش به عنوان یک ابزار مدیریت هزینه برای کاهش کل هزینه یک محصول در طول چرخه عمر آن به کمک مهندسی تولید و تحقیق و طراحی تعریف شده است. هزینه هدف حداکثر میزان بهای تمام شده ای است که می توان برای یک محصول در نظر گرفت و شرکت می تواند حاشیه سود مورد نیاز از آن محصول را با قیمت فروش معین به دست آورد. هزینه یابی هدف به محصولاتی که باید بر اساس ارزیابی صحیح از نیازها و خواسته های مشتریان در بخش های مختلف بازار باشد، اشاره دارد و هزینه هدفها نتیجه حاشیه سود مناسبی است که نشان دهنده آن چیزی است که مشتریان تمایل دارند در زمان معرفی محصول و پس از آن پرداخت نمایند. این مفاهیم به وسیله چهار مرحله اصلی از هزینه یابی هدف حمایت می شوند: (1) شناسایی محصول (2) تعیین قیمت و هزینه هدف (3) دستیابی به اهداف (4) نگه داشتن هزینه های رقابتی

25- مدل سازی ریسک: مدل سازی ریسک، به استفاده از تکنیک های اقتصاد سنجی رسمی برای تعیین تنوع ریسک در پرتفوی مالی اشاره دارد. مدل سازی ریسک، یکی از وظایف فرعی در محدوده حوزه وسیع از مدل سازی مالی است. مدل سازی ریسک تکنیک های متنوعی شامل ریسک بازار، ارزش در ریسک (VAR)، شبیه سازی تاریخی (HS) یا تئوری ارزش نهایی (EVT) را به منظور بررسی سبد سهام و پیش بینی ضرر های احتمالی که ممکن است در انواع مختلفی از ریسک ها به وجود بیاید به کار می گیرد. همچنین ریسک ها معمولاً به ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک نرخ بهره و دسته های ریسک عملیاتی گروه بندی می شوند. بسیاری از شرکتهای مالی متوسط مدل سازی ریسک را به کار می گیرند تا به مدیران سهام برای ارزیابی میزان سرمایه احتیاطی که باید نگه دارند کمک نموده و همچنین در خرید و فروش دسته هایی از داراییهای مالی به آنها یاری رساند.

26- مدیریت فرآیند: مدیریت فرآیند، مجموعه ای است از فعالیت های برنامه ریزی، نظارت و سنجش عملکرد فرآیند که به ویژه، مفهوم فرآیند واحد تجاری اغلب با مهندسی مجدد فرآیند واحد تجاری اشتباه گرفته می شود. مدیریت فرآیند واحد تجاری و مهندسی مجدد فرآیند واحد تجاری به هم وابسته هستند اما با هم یکسان نیستند. مدیریت فرآیند، به کارگیری دانش، مهارت ها، ابزار، تکنیک ها و سیستم هایی برای تعریف، دیدار سازی، سنجش، کنترل، گزارش و توسعه فرآیند با هدف برآورد کردن سودآوری الزامات مشتری است که این می تواند با مدیریت برنامه متفاوت باشد. در مدیریت برنامه، گرایش به مدیریت یک گروه از پروژه های وابسته به هم وجود دارد اما از دیدی دیگر مدیریت فرآیند شامل مدیریت برنامه نیز هست. در مدیریت پروژه، فرآیند مدیریت عبارتست از به کارگیری فرآیند تکرار پذیر به منظور بهبودی نتایج پروژه.

27- حسابداری منابع انسانی (HRA): HRA می تواند به عنوان فرآیند شناسایی، ثبت، اندازه گیری منابع انسانی و آگاهی دادن اطلاعات مالی مرتبط با منابع انسانی به استفاده کنندگان علاقه مند تعریف شود. این قسمتی از حسابداری مدیریت است که به مدیر امکان می دهد تا منابع انسانی یک سازمان را اداره کند. اساساً دو نوع رویکرد در حسابداری منابع انسانی مورد استفاده قرار می گیرد و تئوری هایی برای اندازه گیری منابع انسانی تحت این دو رویکرد یعنی رویکرد ارزش اقتصادی و رویکرد بهای تمام شده وجود دارد. (Asif, 2010)

28- **GPK : Grenzplankostenrechnung (GPK)** یک روش هزینه یابی آلمانی می باشد که در اواخر سال های 1940 و 1950

توسعه یافته است. این روش طراحی شده است تا کاربردی هماهنگ و دقیق از چگونگی تخصیص و محاسبه هزینه های مدیریتی به محصول یا خدمات ارائه دهد. واژه **Grenzplankostenrechnung** عمدتاً به صورت **GPK** ارائه می شود و بهترین ترجمه برای آن عبارتست از حسابداری بهای تمام شده حاشیه ای برنامه ریزی شده یا حسابداری و برنامه ریزی هزینه انعطاف پذیر تحلیلی. **GPK** توسط هانس جورج پلاوت (Hans Georg Plaut) مهندس مکانیک و ولفگانگ کیگر (Wolfgang Kilger) استاد دانشگاه، برای یک هدف مشترک تعیین و یک روش طراحی شده جهت اصلاح، ارائه و اطلاعات حسابداری صنعتی به آن افزوده شد. **GPK** در کتابهای درسی حسابداری صنعتی به نام **Flexible plan deckungsbeitragsrechnung und plankostenrechnung** که بطور قابل ملاحظه قابلیت استفاده را برای دانشگاههای آلمانی زبان داشت، منتشر شد.

29- هزینه یابی کیفیت: هزینه یابی کیفیت، نمایش اهمیت فعالیتهای مرتبط با کیفیت به منظور کمک به مدیران می باشد. هزینه یابی کیفیت هزینه عدم کیفیت برای یک سازمان را نشان می دهد، همچنین مسیر علت ها و تاثیرات مسائل را نشان می دهد و محاسبه راه حل های به کارگیری سیستم های توسعه کیفیت و سپس پیشرفت کنترل را ممکن می سازد. همچنین به عنوان یک تکنیک در ایجاد و توسعه **TQM**، هزینه یابی کیفیت یک ابزار نیرومند برای افزایش کارایی یک شرکت است. هزینه یابی کیفیت توصیه های واقعگرایانه در مورد چگونگی معرفی و توسعه یک سیستم هزینه یابی کیفیت و به کارگیری اطلاعاتی که پدیدار می شوند ارائه می دهد. (Barrie G. Dale and J.J. Plunkett)

30- مدیریت بر مبنای ارزش (**VBM**): مدیریت بر مبنای ارزش (**VBM**) یک ابزار کلیدی برای ارزیابی استراتژی ها و پروژه های تحقق یافته و نیافته شرکت ناشی از دیدگاه پیشینه سازی ارزش سهم داران (**SVM**) می باشد. روشهای **VBM** برای پشتیبانی طراحی شده است برای مثال تصمیمات سرمایه گذاری یا عدم سرمایه گذاری و ارزیابی تحقق یافته، از تصمیمات عمده استراتژیک می باشد. همچنین اندازه گیری عملکرد مدیریت از دیگر مولفه های مهم مدیریت مبتنی بر ارزش (**VBM**) است. اندازه گیری عملکرد در سیستم های پاداش، در راستای انگیزه های مدیریتی با سهامداران استفاده می شود. تعداد زیادی چارچوب نظری در مورد **VBM** وجود دارد. تجزیه و تحلیل ارزش سهامداران (**SVA**) بوسیله راپاپورت (**Rapaport**) در سال 1986 و ارزش افزوده اقتصادی (**EVA**) توسط استرن استوارت (**Stern Stewart**) در سال 1990 توسعه یافت که هر دو نفر از افراد شناخته شده و معروف هستند. با این حال این موضوع، توسط رقبای بسیاری از جمله بلاک (**Black**)، رایت (**Wright**) و بکمن (**Backman** 2001) شرح داده شده است. تجزیه و تحلیل ارزش نقدی (**CVA**) توسط اوتسون (**Ottoson**) و ویسنرایدر (**Weissenrieder**) در سال 1996 و بازده سرمایه گذاری جریانهای نقدی (**CFROI**) (Madden, 1999) دو پیشنهاد جایگزین جدی برای روشهای مختلف (**EVA**) هستند. (Lars & Clas, 2003)

31- ارزش افزوده اقتصادی (**EVA**): ارزش افزوده اقتصادی یک معیار سنجش جدید عملکرد می باشد که مدعی است انگیزه های مدیران با سهامداران را بهتر تنظیم می کند. **EVA** به وسیله سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیاتها (یا **NOPAT**) منهای مبلغ هزینه سرمایه سنجیده می شود. **EVA** با سود باقیمانده (**RI**) مشابه است، اگرچه بر اساس برخی از تعاریف ممکن است تفاوت های فنی جزئی میان **EVA** و **RI** (برای مثال اصلاحاتی که ممکن است بر **NOPAT** اعمال شود قبل از آن که برای فرمول پایین مناسب باشد) وجود دارد. از سوی دیگر اصطلاح خیلی قدیمی برای ارزش افزوده اقتصادی، گردش و جوه نقد باقی مانده است که در همه این سه مورد، به مبلغ هزینه سرمایه به مقدار پول به جای هزینه متناسب (درصد هزینه سرمایه) ارجحیت دارد، اشاره می کند. استهلاک سرفقلمی یا سرمایه تبلیغات مارک تجاری و سایر اصلاحات مشابه ترجمه هایی هستند که می تواند سود اقتصادی را بسازد که به نوبه خود ارزش افزوده اقتصادی را ایجاد می نماید. **EVA** یک نام تجاری ثبت شده بوسیله توسعه دهندگان آن استرن استوارت و شرکا (**Stern Stewart & Co**) می باشد.

32- هزینه یابی واحد/تولید محصول: هزینه یابی براساس تولید یا واحد محصول شکلی از هزینه یابی عملیات است. این روشی از هزینه یابی بوسیله واحد تولید محصول است. در بنگاه های تولیدی یک آرتیکل واحد بر روی مقیاس بزرگ از طریق فرآیند مستمر تولید پذیرفته شده و همه واحد های تولید شده یکسان و همگن هستند که این واحد ها از تولید قادر هستند به عنوان واحد اندازه گیری مناسب بیان شوند. (Iyengar, 1998)

33- حسابداری بهای تمام شده کامل: حسابداری بهای تمام شده کامل (FCA) بطور کلی به فرآیند جمع آوری و ارائه اطلاعات (هزینه ها و مزایا) برای هر راه حل پیشنهاد شده وقتی که یک تصمیم ضروری است، اشاره دارد. این یک روش معمول از حسابداری بهای تمام شده است که هزینه های مستقیم را ردیابی می کند و هزینه های غیر مستقیم را تخصیص می دهد. حسابداری بهای تمام شده واقعی (TCA) اغلب به عنوان مترادف آن به کار می رود. کارشناسان هر دو واژه را گنجاننده در نظر می گیرند چراکه تعاریف "واقعی" و "کامل" ماهیتی ذهنی دارند.

34- هزینه یابی عملیات/خدمات: هزینه یابی خدمات، شکلی از هزینه یابی عملیات می باشد، در جایی که خدمات استاندارد ارائه شده بواسطه یک واحد یا به وسیله مرکز هزینه خدمات درون یک فعالیت، به کار می رود. مشابه هزینه یابی واحد و هزینه یابی مرحله ای، هزینه یابی خدمات شکلی از هزینه یابی عملیات است. تاکید بر روی هزینه ارائه خدمات بر ثبت بهای تمام شده تولید ارجحیت دارد. (Iyengar, 1998)

35- هزینه یابی پیمانکاری: بر طبق اصطلاحات CIMA، به عنوان شکلی از هزینه یابی سفارش ویژه برای تخصیص هزینه نسبت به قراردادهای خاص می باشد. وجود یک شکل از هزینه یابی سفارش معین، هزینه یابی پیمانکاری می باشد که مشابه هزینه یابی سفارش کار است. هر دوی این اشکال با هزینه یابی سفارشات ویژه در ارتباط هستند. با این حال، اصطلاح هزینه یابی پیمانکاری برای سفارشات که نیاز به زمان طولانی برای تکمیل شدن دارند، به کار می رود. علاوه بر این، کار پیمان همانند موردی که در خارج از محدوده ساختمانهای کارخانه انجام می شود، می باشد. (Iyengar, 1998)

36- هزینه یابی عملیات: بر طبق اصطلاحات CIMA، هزینه یابی عملیات عبارت است از روش هزینه یابی قابل استفاده در جاییکه کالاها یا خدمات از یک روند دنباله دار مستمر یا عملیات و فرآیند تکراری منتج می شوند. هزینه ها در میان واحد های تولید شده در یک دوره زمانی معدل گیری می شوند. (Iyengar, 1998)

37- هزینه یابی یکنواخت: به واسطه پذیرش برخی از روش های هزینه یابی یکسان، اصول و تکنیک ها، روش های هزینه یابی اصلی یکسان و اصول و تکنیک ها حاصل می شود. هزینه یابی یکنواخت روشی متمایز از هزینه یابی نیست. این پذیرش اصول و رویه های یکسان هزینه یابی بوسیله واحد های مختلف از صنعتی مشابه یا بعضی از وظایف به وسیله توافقی متقابل است. این تنها تکنیکی است که به کمک اشکال هزینه قسمتهای خاص یک صنعت به صورتی قابل مقایسه ارائه شده است.

38- روش سطح بالا- پایین: این روش اساساً یکی از ابزار های آماری مورد استفاده در حسابداری مدیریت است که رابطه بین هزینه متغیر و هزینه ثابت را کشف می کند. این روش در حسابداری مدیریت برای تعیین معادله هزینه شرکت استفاده می شود. طبق این روش هزینه متغیر هر واحد از تفاوت هزینه در بالاترین سطح فعالیت و پایین ترین سطح فعالیت تقسیم بر تفاوت بالاترین سطح فعالیت و پایین ترین سطح فعالیت به دست می آید.

39- روشهای رگرسیون حداقل مربعات: این روش همچنین مانند روش سطح بالا- پایین برای پیدا کردن رابطه میان هزینه ثابت و هزینه متغیر به کار برده می شود. اما برخلاف روش سطح بالا- پایین، از تمامی اطلاعات برای جدا کردن هزینه مختلط درون مولفه های ثابت و متغیر آن بوسیله تطبیق یک خط رگرسیونی برای به حداقل رساندن مجموع مجذور خطا ها استفاده می شود.

40- اهرم عملیاتی: این یک سنجش از اهرم است و به چگونگی ریسک دار شدن (بی ثباتی) سود عملیاتی یک شرکت می پردازد که معمولاً با تقسیم حاشیه فروش یا CM (درآمد فروش منهای هزینه متغیر) به سودخالص عملیاتی یا NOI بدست می آید.

41- تجزیه و تحلیل نقطه سربه سر: نقطه سر به سر یک محصول، نقطه ای است که درآمد کل با هزینه های کل مرتبط با فروش محصول (TC=TR) برابر گردد. معمولاً نقطه سر به سر در کسب و کارها به این منظور محاسبه می شود، که مشخص شود آیا محصول پیشنهاد شده را بفروشد، سود آور است یا برعکس تلاش برای اصلاح محصول موجود به جای آن (محصول پیشنهاد شده) بیشتر می تواند سود آور باشد. همچنین تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر می تواند در تحلیل سودآوری بالقوه از مخارج مبتنی بر فروش واحد تجاری استفاده شود.

حاشیه فروش هر واحد / هزینه ثابت = نقطه سربه سر (برای محصول)

هزینه متغیر - قیمت فروش = حاشیه فروش

قیمت فروش * حاشیه فروش / هزینه ثابت = در نقطه سربه سر (برای فروش ها)

42- تجزیه و تحلیل پیاده سازی اجزای محصول رقیب: تجزیه و تحلیل پیاده سازی اجزای محصول رقیب یا مهندسی معکوس، فرآیندی از ارزشیابی محصول رقبا جهت شناسایی فرصت ها برای بهبودی محصول می باشد. در این روش محصول رقیب قطعه قطعه می شود تا عملکرد و طراحی محصول شناسایی شود و همچنین نتایجی که در ارتباط با فرآیند ساخت محصول است به دست آید. عنصر اصلی تجزیه و تحلیل پیاده سازی اجزای محصول رقیب، الگو برداری (محک زدن رقبا) است. (Kaplan & Atkinson, 2001)

43- کارکرد کیفیت: توسعه کارکرد کیفیت (QFD) یک ابزار مدیریتی مبتکرانه که در طول دهه 1970 در شرکت کشتی سازی کوب ژاپن توسعه یافته است. توسعه کارکرد کیفیت، ساختاری را برای شناسایی نیازمندی های مشتری به عنوان کلید ورودی، درون فرآیند هزینه یابی هدف فراهم می کند. سازمان های این روش را برای شناسایی خواسته های مشتریان قبل از فرآیند طراحی محصول استفاده می کنند. سپس آنچه مشتری خواسته با آنچه که تیم طراحی برای تأمین نیازهای مشتری انجام داده مقایسه می شود. (Kaplan & Atkinson, 2001)

44- مهندسی مجدد: مهندسی مجدد فعالیتی است از طراحی مجدد فرآیند موجود یا برنامه ریزی شده که تمایل به ایجاد بهبودی از طریق ویژگی های کیفیت و هزینه های تولید را دارد. (Kaplan & Atkinson, 2001)

45- هزینه یابی کایزن (kaizen): هزینه یابی کایزن بر توجه سازمان روی دارایی تمرکز دارد که مدیران و گردانندگان سیستم موجود می توانند کاهش بهای تمام شده را انجام دهند. بنابراین برخلاف هزینه یابی هدف که طراحان قبل از تولید محصول آن را مورد استفاده قرار می دهند، کارکنان عملیاتی هزینه یابی کایزن را زمانی که محصولات در حال تولید شدن هستند، مورد استفاده قرار می دهند. به هر حال هزینه یابی هدف از نظرات مشتری ناشی می شود ولی هزینه یابی کایزن از اهداف سودآوری دوره ای یک مجموعه داخلی که بوسیله مدیریت ارشد ایجاد می شود، ناشی می شود. (Kaplan & Atkinson, 2001)

46- تحلیل عملکرد: تحلیل عملکرد، فرآیندی از اندازه گیری عملکرد است که کارکردهای گوناگون مثل تامین مالی، بازاریابی، حسابداری، فروش ها، تولید و غیره را تفکیک می کند.

47- تابع هزینه تاگوچی: تابع زیان یا هزینه تاگوچی راهی برای رسیدن به هزینه کیفیت است. این روش در مهندسی صنایع بسیار مرسوم است که هزینه های کیفیت صرفاً بوسیله تعدادی از اقلام مشخصات ظاهری از قبیل هزینه دوباره کاری یا ضایعات نمایش داده می شود. با این حال، تاگوچی عنوان کرد که تولید کنندگان افق فکریشان توجه به هزینه جامعه سوق داده شده است. ولی هزینه های کوتاه مدت ممکن است در عدم انطباق با هر آیتمی که خارج از ظرفیت اسمی تولید باشد از طریق زود خراب شدن، منجر به زیان رساندن به مشتریان و یا حتی جامعه شود که ارتباط با قسمتهای دیگر را دچار مشکل کرده و احتمالاً برای بالا بردن ظرفیت اسمی، نیاز به ساخت حاشیه ایمنی می باشد. این زیانها مربوط به فعالیتهای خارجی است که معمولاً توسط تولید کنندگان نادیده گرفته می شود و آن ها بیشتر علاقه مند به هزینه های خصوصی خودشان هستند تا هزینه های اجتماعی. این قبیل فعالیتهای خارجی بر طبق تحلیل های اقتصاد عمومی از کارایی عملیاتی بازار جلوگیری می کنند. تاگوچی استدلال کرد که چنین زیانهایی بطور اجتناب ناپذیر به ساختار شرکت برمی گردد (با تاثیر مشابه به تراژدی عموم

(که آنها را میتوان بوسیله کارموثر به حداقل رساند و تولید کنندگان می توانند از این طریق علامت تجاری خود را اعتبار بخشیده، برنده بازار باشند و منافع فراوانی کسب کنند. این تابع به صورت زیر می باشد:

$$L(y) = K(y - t)^2$$

48- تجزیه و تحلیل انحراف: در بودجه بندی (یادر حسابداری مدیریت به طور کلی) انحراف، تفاوت میان یک مقدار بودجه شده، استاندارد یا برنامه ریزی شده با مقدار واقعی تحمل شده / فروخته شده می باشد. انحرافات می توانند برای هر دوی هزینه و درآمدها محاسبه شوند. مفهوم انحراف به طور طبیعی با نتایج واقعی و برنامه ریزی شده مرتبط بوده و تفاوت میان این دو بر عملکرد شرکت یا واحد اقتصادی مستقل موثر می باشد.

49- بازده سرمایه گذاری (ROI): نرخ سود یا گاهاً فقط بازده، نسبت پول کسب شده یا از دست رفته (خواه تحقق یابد یا نیابد) از سرمایه گذاری به مقدار پول سرمایه گذاری شده ارتباط دارد. مقدار پول کسب شده یا از دست رفته به عنوان بهره، سود یا زیان عملیاتی، سود و زیان غیر عملیاتی یا سود یا زیان خالص اشاره شده است. پول سرمایه گذاری شده به عنوان دارایی، سرمایه، اصل پول، یا مبنای محاسبه هزینه سرمایه گذاری اشاره شده است. ROI معمولاً بصورت درصدی از نسبت یک کسر بیان می شود. نرخ بازده می تواند برای بیش از یک دوره محاسبه شده یا به عنوان میانگین دوره های مرکب بیان شود.

50- ارزش افزوده اقتصادی (EVA): ارزش افزوده اقتصادی یا EVA برآوردی از سود اقتصادی است که می تواند از میان راههای دیگر به وسیله اصلاحات انجام شده نسبت به حسابداری GAAP تعیین شده و کاهش هزینه فرصت از دست رفته سرمایه سهامداران را شامل می شود. EVA یک راه برای تعیین ارزش ایجاد شده است. فرمول اصلی آن به شکل زیر است:

$$EVA = (r - c) \cdot K = \text{Nopat} - c \cdot K$$

که $r = \text{Nopat} / K$ بازده سرمایه به کار گرفته شده (ROIC) نامیده شده است. c برابر بازده سرمایه شرکت، (Nopat) سودخالص عملیاتی پس از کسر مالیات، C میانگین موزون هزینه سرمایه (Wacc) و k سرمایه به کاررفته. EVA به سادگی از سود کسب شده توسط شرکت منهای هزینه تامین مالی سرمایه شرکت بدست می آید.

51- هزینه یابی چرخه عمر: هزینه یابی چرخه عمر، فرآیندی است از برآورد و انباشت هزینه ها در طول چرخه عمر محصول می باشد. هزینه یابی چرخه عمر به طور خاص در محیطی که هزینه های هنگفت برنامه ریزی و توسعه (برای مثال توسعه یک هواپیمای جت جدید) یا هزینه های هنگفت واگذاری تولید (برای مثال برچیدن امکانات مولد هسته ای) وجود دارد، مهم هستند. (Kaplan & Atkinson, 2001)

52- هزینه یابی محیطی، ضایعات و واگذاری: این فرآیند از هزینه یابی برای تعیین هزینه یابی محیطی، ضایعات و واگذاری محصولات خاص می باشد.

نتیجه گیری:

حسابداری مدیریت هیچ الزام قانونی مانند حسابداری مالی ندارد و یک مدیر می تواند هر تکنیک و ابزاری را که دوست دارد، انتخاب کند. گاهاً این انتخاب به وضعیت و استراتژی قبلی سازمان بستگی دارد. ولی انتخاب استراتژی درست برای سازمان یک عامل کلیدی است.

منبع:

Asif Ahmed, "Fifty Two Tools of Management Accounting", 2010

"Fifty Two Tools of Management Accounting"

Abstracts:

Sometimes it is very difficult to find out accumulate information about techniques and tools of management accounting. It create hazardous for the searcher to find out the techniques and tools from here and there. Again sometimes some want to know the basics of various techniques and tools used in management accounting.

To serve these dual purposes data on various management accounting techniques are collected from various books, journals and article and accumulate in this paper. This paper discusses 52 management accounting techniques and tools, which is a subsequent version of my previous paper on management accounting tools, in brief.